

دکتر رابرت ای. پترسون، الهیات به معنای خاص، جلسه ۱۰ جمع‌بندی تثلیث، صفات خدا، مقدمه و صفات غیرقابل انتقال

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر رابرت پترسون در تدریس خود در مورد الهیات به معنای واقعی کلمه یا خدا است. این جلسه 10 است، جمع بندی تثلیث، صفات خدا، مقدمه و صفات غیرقابل انتقال

ما مطالعه خود را در مورد الهیات به معنای واقعی کلمه با جمع بندی آموزه تثلیث ادامه می دهیم

پدر، پسر و روح القدس در وحدت و برابری وجود دارند. این هفتمین اصل از هفت اصل ما است که آموزه تثلیث را تشکیل می دهد. یک خدا وجود دارد، پدر خداست، پسر خداست، روح القدس خداست، اشخاص جدایی ناپذیر اما قابل تشخیص هستند، آنها متقابلاً در یکدیگر ساکن هستند، و در نهایت، خود کتاب مقدس وقتی می گوید پدر، پسر و روح القدس در وحدت و برابری وجود دارند، دست ما را می گیرد و ما را به سمت نتایج تثلیثی هدایت می کند.

متونی که سه شخص تثلیث را در وحدت و برابری به هم پیوند می دهند، نتیجه گیری ما را تأیید می کنند. متونی که سه شخص را در وحدت و برابری به هم پیوند می دهند، فراوان هستند، اما ما از انجیل‌ها فقط سه نویسنده‌ی رساله‌های عهد جدید و مکاشفه را نمونه قرار می دهیم. عیسی در مأموریت بزرگ خود به شاگردانش می گوید که از همه ملت‌ها شاگرد بسازند و آنها را به نام مفرد پدر و پسر و روح القدس تعمیم دهند، متی ۲۸:۱۹.

کلمه «نام» مفرد است، اما نام‌های سه شخص در ادامه، نشان‌دهنده‌ی وحدت سه نفره‌ی آنهاست. علاوه بر این، غسل تعمید فقط به نام خدا انجام می شود که دلالت بر الوهیت هر سه شخص دارد. این سه نفر به عنوان یک خدا وجود دارند، اما متمایز هستند و نباید با هم اشتباه گرفته شوند.

پولس در دعای خیر خود، این سه شخص را به عنوان منبع برکات الهی به تصویر می کشد: «فیض خداوند، عیسی مسیح و محبت خدا و رفاقت روح القدس با همه شما باد». «دوم قرن‌تین ۱۲:۱۳ (فقط خدا فیض محبت و رفاقت می بخشد و این دقیقاً همان کاری است که این سه شخص انجام می دهند. این باید در دوم قرن‌تین ۱۳:۱۴ می بود، نه ۱۲).

رستگاری تنها کار خداست. پولس مهربانی، عشق و رحمت پدر را به عنوان منبع نجات، تجدید حیات و تازگی روح را به عنوان کاربرد آن، و مسیح را به عنوان مجرای روح معرفی می کند، تیطوس ۳، ۴ تا ۶. من باید آن را بخوانم. اما هنگامی که خوبی و مهربانی خدا، پدر ما، خدا، نجات‌دهنده ما، ظاهر شد، او ما را نجات داد، نه به خاطر کارهایی که ما در عدالت انجام دادیم، بلکه به رحمت خود، به وسیله غسل تجدید حیات و تازگی روح القدس، که او را به وفور از طریق عیسی مسیح، نجات‌دهنده ما، بر ما ریخت، تا به فیض او عادل شمرده شویم و به امید حیات ابدی وارث شویم.

تیطوس ۳:۴ تا ۶. اشخاص متمایز هستند و با یکدیگر اشتباه گرفته نمی شوند و هر کدام نقشی در نجات ایفا می کنند. یوحنا نحوه تشخیص روح القدس از ارواح دروغین را آموزش می دهد. اول یوحنا ۴، ۲. هر روحی که اقرار می کند عیسی مسیح در جسم آمده است، از جانب خداست.

اول یوحنا ۴:۲. هر یک از جانب خداست. هر یک حقیقت او را بیان می کند. پدر معلمانی را می فرستد که به تجسم پسرش شهادت می دهند و توسط روح القدس برانگیخته می شوند.

اما هر روحی که عیسی را انکار کند، از جانب خدا نیست. آیه ۳. ارواح و معلمانی که آنها الهام می‌دهند و تجسم را انکار می‌کنند، از جانب دجال هستند، نه خدای پدر. یهودا پس از هشدار در مورد معلمان دروغین، خوانندگان خود را در یهودا ۲۰ و ۲۱ نصیحت می‌کند.

اما شما، دوستان عزیز، در حالی که خود را در ایمان بسیار مقدس خود بنا می‌کنید و در روح القدس دعا می‌کنید، خود را در محبت خدا نگه دارید و مشتاقانه منتظر رحمت خداوند ما عیسی مسیح، برای حیات جاودان باشید. یهودا ۲۰ و ۲۱. آنها باید کلیسا را بر پایه ایمان بسیار مقدس، یعنی انجیل، بنا کنند.

آنها باید با تکیه بر روح دعا کنند. یهودا با بازگشت به مضامین محبت پدر و حفظ آنها توسط پسر، از آیه ۱ به خوانندگان خود می‌گوید که با اطاعت از او، در عشق پدر بمانند. آنها همچنین باید در بازگشت او، از عیسی، از مسیح، به دنبال رحمت و حیات جاودان باشند.

کتاب مقدس، دوباره، این سه شخص را از هم متمایز می‌کند و از عشق پدر، دعا در روح و انتظار بازگشت مسیح می‌گوید. یوحنا در مکاشفه ۱:۴ دعا می‌کند که خداوند «به هفت کلیسا در آسیا» فیض و آرامش عطا کند، که در مکاشفه ۱:۴ به آنها می‌نویسد. اما به جای نوشتن خدا، او می‌نویسد «آن که هست، بود و خواهد آمد».

هفت روح پیش از تخت او، و عیسی مسیح، که به ترتیب به پدر، روح و پسر اشاره دارند، آیات ۴ و ۵. یوحنا این سه شخص را از هم متمایز می‌کند و آنها را به عنوان آورندگان نعمت‌های الهی به تصویر می‌کشد، و از این طریق به جایگاه الهی آنها اشاره می‌کند. در نتیجه آموزه تثلیث، یک خدا وجود دارد که از ازل به عنوان پدر پسر و روح القدس وجود داشته است. این اشخاص جدایی‌ناپذیر هستند، اما باید از هم متمایز شوند.

به طرز اسرارآمیزی، آنها در یکدیگر هستند. آنها در یکدیگر زندگی می‌کنند، به عنوان سه شخص در یک ذات الهی.

این واقعیت که متونی که سه شخص را در وحدت و برابری به هم پیوند می‌دهند، از انجیل‌ها، سه نویسنده، مختلف رساله، و مکاشفه آمده‌اند، ما را به یاد وسعت شهادت عهد جدید به تثلیث می‌اندازد. گاهی اوقات کتاب مقدس عبارات عظمت خدا را با سایر صفات ترکیب می‌کند. آیات زیر به ترتیب برای حاکمیت، وفاداری و قدرت او این کار را انجام می‌دهند.

مزمور ۱۳۵: ۵ و ۶. زیرا می‌دانم که خداوند بزرگ است. پروردگار ما از همه خدایان بزرگتر است. خداوند هر چه را که بخواهد، در آسمان و زمین، در دریاها و همه اعماق انجام می‌دهد.

نحمیا ۵: ۱. خداوند، خدای آسمان‌ها، خدای بزرگ و با هیبت، که به عهد خود با کسانی که او را دوست دارند و از فرامین او پیروی می‌کنند، وفا می‌کند. نحمیا ۱-۵.

ارمیا ۱۰: ۶ و ۷. ای خداوند، کسی مانند تو نیست. تو عظیم هستی. نام تو عظیم و قدرتمند است.

کیست که از تو نترسد، ای پادشاه امت‌ها؟ این شایسته‌ی توست. زیرا در میان تمامی خردمندان امت‌ها و در میان تمامی پادشاهی‌هایشان، کسی مانند تو نیست. ارمیا ۱۰: ۶ و ۷. مزامیر، خدا را به خاطر عظمت نامش، و شخصیتش ستایش می‌کند، ۸: ۱، ۱۳: ۱۴۸.

آنها همچنين او را به خاطر عظمت کارهایش ستايش می کنند. مزمور ۱۴۵:۳-۶. خداوند بزرگ و بسيار ستوده است.

عظمت او کاوش ناپذير است. نسلی اعمال تو را به نسل ديگر بيان خواهد کرد و اعمال عظيم تو را اعلام خواهد نمود. من از جلال و شکوه و جلال و کارهای شگفت انگيز تو سخن خواهم گفت.

آنها قدرت اعمال شگفت انگيز تو را اعلام خواهند کرد و من عظمت تو را بيان خواهم کرد. مزمور ۱۴۵:۳-۶. عظمت خدا ما را به پرستش او و فقط او سوق می دهد.

مزمور ۸۶: ۸-۱۰، ۹۶: ۳-۵، لوقا ۱: ۴۶-۴۸.

اين ما را به ترس از او سوق می دهد. مزمور ۳: ۹۶-۵. ارميا ۶: ۱۰-۷.

تا تسليم دست مقتدر او باشيم. مزمور ۱۳۵: ۵-۶. و به وفای عهد او توکل کنیم.

نحميا ۵: ۱. عظمت خدا همچنين ما را الهام می بخشد تا در مورد او و ديگران شهادت دهيم. مزمور ۱۴۵:۳-۶.

سه بخش اصلي در آموزه خدا وجود دارد. اکنون بخش اول، يعني خدا، تثليث مقدس، را تکميل کرده ايم. ما عمداً آن را در اولويت قرار داده ايم و نه صفات خدا را، زيرا صفات خدا مربوط به شخص خدا است که یک تثليث، خدای سه گانه است.

صفات خدای ما، مقدمه. پس از بررسی آموزه تثليث، به صفات خدا می پردازيم که به نقل از کتاب *الهيات مسيحي ميلارد/اريکسون*، قبل از انفجار کتاب های الهيات سيستماتیک، برای مدتی کتاب اريکسون کتاب برتر بود. *الهيات مسيحي ميلارد/اريکسون*، صفحه ۲۹۱.

او اينگونه صفات خدا را تعريف می کند. نقل قول، آن دسته از ویژگی های خدا که ماهيت او را تشكيل می دهند، همان ویژگی های ذات او. نقل قول بسته.

آنها ذاتی، ابدی، دائمی، عینی و جدایی ناپذير هستند. و بيانگر اين هستند که خدا چگونه است. قبل از شروع، به شما هشدار می دهيم و توضیحاتی ارائه می دهيم.

اول، چون خدا نامتناهی است، ما هرگز به ژرفای شخصيت او پی نخواهيم برد. حتی به عنوان مقدسين، رستاخيز یافته در زمين جديد، هرگز از يادگيري درباره او دست نخواهيم کشيد. دوم، چون خدا ابدی است، بايد تمام صفات او را ابدی بدانيم.

خدا تک تک اين صفات را داشته، دارد و هميشه خواهد داشت. از آنجايی که صفات او ابدی و در نتیجه پایدار هستند، خدا بی نهایت، مهربان، مقدس، نیکو و غيره بوده، هست و خواهد بود. سوم، از آنجا که خدا یکی است، بايد از تمایز بیش از حد صفات او برحذر باشيم.

اگرچه کتاب مقدس خدا را با صفت ها و تصاویر مختلفی توصيف می کند، اما، ببخشيد، توضيح می دهد که او یکی است. او یکپارچه است، نه قابل تقسيم به بخش های جداگانه. بنابراین، صفات او ممکن است قابل تشخيص باشند، اما در عين حال جدایی ناپذير نیز هستند.

در زیر، بیش از ۲۰ ویژگی خدا را فهرست می‌کنیم. اما او صد و بیستمین قدوس، صد و بیستمین مهربان، وفادار و غیره نیست. خدا کاملاً مقدس، مهربان، وفادار و غیره است.

چهارم، از آنجا که خدا یک شخص است، ما نباید بر خود یک صفت تمرکز کنیم، بلکه باید بر خدای یگانه خود تمرکز کنیم که به راستی با آن صفت توصیف می‌شود. به عبارت دیگر، ما عشق را به خودی خود مطالعه نمی‌کنیم، بلکه خدایی را که عشق می‌ورزد، بررسی می‌کنیم. ما در درجه اول حاکمیت را مطالعه نمی‌کنیم، بلکه خدایی را که حاکمیت دارد، بررسی می‌کنیم.

و طبق کتاب مقدس، خدایی که عشق است، همزمان حاکم نیز هست. عشق او عشقی حاکمانه است و حاکمیت، حاکمیتی عاشقانه است. به همین ترتیب، خدا قادر مطلق و مقدس است.

بنابراین، اگر قادر مطلق بودن به این معنی است که او می‌تواند هر کاری را که قدرت می‌تواند انجام دهد، انجام دهد، تقدس او به ما یادآوری می‌کند که تمام اعمال قدرتمند او نیز مقدس هستند و غیره. من همچنین کتاب جان فریم، دکترین خدا، و کتاب جان فاینبرگ، را برای بررسی فلسفی‌تر، هیچ‌کس مانند او، دکترین خدا توصیه می‌کنم. فاینبرگ مدرک دکترا را در دانشگاه شیکاگو گرفت، بنابراین مطالب او از نظر فلسفی غنی است و به من کمک می‌کند تا الهیاتی فکر کنم.

پنجم، از آنجا که خداوند خود را آشکار می‌کند، ما می‌توانیم او را به درستی بشناسیم. ما می‌توانیم او را به درستی و به طور حقیقی بشناسیم. خداوند با لطف و کرم خود، هویتش را به ما نشان می‌دهد و ما می‌توانیم او را به درستی بشناسیم، حتی اگر هرگز به طور کامل این کار را انجام ندهیم.

چارلز هاج به شیوه‌ای قدیمی‌تر می‌گفت، ما خدا را درک می‌کنیم، ما خدا را درک نمی‌کنیم، که در آن درک از دانش جامع خدا سخن می‌گوید. خدای ما واقعاً واحد، شخصی، مهربان، بخشنده، راستگو و غیره است. البته، اینها توصیفات انسانی، دسته‌بندی‌های انسانی و تصاویر انسانی هستند.

خدا چگونه می‌توانست با انسان‌ها ارتباط برقرار کند جز در قالب انسان؟ خدا از فرهنگ‌ها، قالب‌های فکری، کلمات و تصاویر ما به عنوان تشبیه استفاده می‌کند تا خود و حقایق مربوط به خود را به ما آشکار کند. ما می‌توانیم به اعتبار آنها برای بیان صادقانه‌ی شخصیت او اعتماد کنیم، زیرا او خداست و ما را به تصویر خود آفریده است و تصمیم گرفته است که خود را از طریق کلمات به ما منتقل کند. توجه داشته باشید که او تصمیم گرفته است که خود را از طریق کلمات به ما منتقل کند.

مفهوم وحی گزاره‌ای با وحی شخصی خداوند منافاتی ندارد. ششم، از آنجا که خداوند یکی است، همه صفات مشخصه همه تلاش‌ها هستند. از آنجا که خداوند یکی است، همه تلاش‌ها برای دسته‌بندی صفات او از همان ابتدا ناقص است.

ما این را می‌پذیریم. پس چرا این ویژگی‌ها را به عنوان غیرقابل انتقال، منحصر به فرد و قابل انتقال، مشترک بحث می‌کنیم؟ به چند دلیل. یک لیست طولانی از 20 یا بیشتر ویژگی عمیق بدون سازماندهی، برای ما بیش از حد زیاد است که بتوانیم آنها را ترکیب کنیم.

حتی بیشتر، اگرچه توصیف صفات خدا به صورت غیرقابل انتقال و قابل انتقال کامل نیست و این دسته بندی‌ها با هم همپوشانی دارند، اما خود این دسته بندی به ما یادآوری می‌کند که چگونه با خدا ارتباط برقرار می‌کنیم. کتاب مقدس بارها تأکید می‌کند که ما مانند خدا نیستیم. صفات غیرقابل انتقال این تمایز را برجسته می‌کند.

او خالق قائم به ذات است. ما موجوداتی هستیم که برای وجود داشتن کاملاً به او وابسته‌ایم. او بی‌نهایت است.

ما متناهی هستیم. او در همه جا حاضر است. ما در مکان قرار داریم. او قادر مطلق است. ما قدرت محدودی داریم. او ابدی است. ما مقید به زمان هستیم. او تغییرناپذیر است. ما همیشه در حال پیشرفت هستیم.

در مواقع دیگر، کتاب مقدس تأکید می‌کند که ما باید خدا را در شخصیت خود منعکس کنیم، و صفات قابل انتقال این موضوع را برجسته می‌کنند. ما به صورت خدا آفریده شده‌ایم، توسط مسیح، صورت واقعی خدا نجات یافته‌ایم و به صورت او تبدیل شده‌ایم. این بدان معناست که خدا در واقع ما را به افرادی تبدیل می‌کند که او را منعکس می‌کنند.

اما چگونه؟ ما مطمئناً نمی‌توانیم صفات غیرقابل انتقال او را منعکس کنیم، زیرا هرگز قائم به ذات یا نامتناهی نخواهیم بود. با این حال، به لطف او و از طریق اتحاد با مسیح، می‌توانیم و صفات قابل انتقال او را تا حدی که موجودات رستگار می‌توانند، منعکس می‌کنیم. خداوند کاملاً حاکم است و ما به عنوان مباشرین خدا، بر خلقت او تسلط داریم.

خداوند بی‌نهایت حکیم است و ما در حکمتش رشد می‌کنیم. خداوند راستگو است و ما به طور فزاینده‌ای صادق‌تریم. خداوند وفادار است و ما نیز باید چنین باشیم.

خدا مهربان است، و ما نیز دوست داریم. و همینطور الی آخر. دسته‌بندی صفات خدا به این شکل، این حقیقت مهم را برجسته می‌کند.

فضایل زندگی مسیحی، ثمره روح، سعادت‌های الهی و غیره، و نشانه‌های کلیسا اساساً صفات قابل انتقال خداوند هستند. صفات منحصر به فرد خدای ما، صفات غیرقابل انتقال، به آن دسته از ویژگی‌ها یا خصایص خداوند اشاره دارند که مختص خداوند هستند. آنها غیرقابل انتقال هستند.

او این‌ها را با قوم خود به اشتراک نمی‌گذارد. خدای ما زنده است، که به طور سنتی به آن آسه یقی می‌گویند. منظور ما از زنده بودن، این است که خدا برای وجود خود به هیچ چیز متکی نیست.

ضمناً، عبارت «خدای ما زنده است» بیشتر به کتاب مقدس نزدیک است تا «خدای بی‌علت». «من از این کلمه بدم نمی‌آید. به معنی «بی‌علت» است، و ما به آن خواهیم پرداخت.

منظور ما از زنده بودن این است که خدا برای وجود خود به هیچ چیز دیگری متکی نیست. این همچنین به عنوان قدرت خدا نامیده می‌شود. خدا منبع وجود خودش است، همانطور که عیسی با گفتن اینکه پدر در ذات خود حیات دارد، به آن اشاره می‌کند، یوحنا ۵:۲۶.

خالق و پروردگار همه حیات، به همه حیات می‌بخشد و به هیچ چیز نیاز ندارد. او که به همه حیات و نفس می‌بخشد، اعمال رسولان ۱۷:۲۴، ۲۵، نیازی به حیات یافتن ندارد. تصاویر خدا که به این ویژگی مربوط می‌شوند شامل چشمه آب حیات، ارمیا ۲:۱۳ است.

هیچ کس خدا را نساخته، هیچ کس به او حیات نداده است، زیرا او خدای زنده‌ای است که همیشه وجود داشته است. اشعیا بت‌های بابلی را به عنوان بت‌هایی ترسو و ناتوان از نجات کسانی که به آنها اعتماد دارند، به تصویر می‌کشد، اشعیا ۴۶: ۱ و ۲. پیامبر منطق کسی را که خدای خود را با دستان خود از چوب می‌سازد، زیر سوال می‌برد. پیامبر آنچه را که او انجام می‌دهد، مسخره می‌کند.

او آتشی روشن می‌کند، اشعیا ۱۵:۴۴ تا ۱۷. او آتشی روشن می‌کند و نان می‌پزد. او حتی از آن خدایی می‌سازد و آن را می‌پرستد.

از آن بتی می‌سازد و در برابرش سجده می‌کند. نیمی از آن را در آتش می‌سوزاند و روی آن گوشت کباب می‌کند. کباب را می‌خورد و سیر می‌شود.

او به خودش هشدار می‌دهد و می‌گوید، آه، من گرم شده. من شعله را می‌بینم. او با بقیه آن یک خدا یا بت خود می‌سازد.

او در برابر آن سجده می‌کند، آن را می‌پرستد و به سویش دعا می‌کند: «مرا نجات بده، زیرا تو خدای من هستی.»

مرا نجات بده زیرا تو خدای من هستی، اشعیا ۴۴: ۱۵ تا ۱۷. کتاب مقدس طنز دارد. اینجا نوعی طنز طعنه‌آمیز است.

برخلاف بت‌های بی‌جان، خدای زنده، نقل قول، به همه زندگی می‌بخشد. اول تیموتائوس ۶، ۱۳. اگرچه خدا به ما نیازی ندارد، اما او شخصی است و حتی خود را از طریق عهد به قومش متعهد می‌کند و وفاداری آنها را مطالبه می‌کند.

این امتیاز بزرگ ماست که وابستگی کامل خود را به خدای زنده‌ای که قول داده است من خدای آنها و آنها قوم من خواهند بود، درک کنیم). ارمیا ۳۳:۳۱ (خدای ما واحد و یکپارچه است

فقط یک خدای زنده و حقیقی وجود دارد و او واحد است. او از اجزا تشکیل نشده است و نباید از نظر ذهنی به اجزای جداگانه تقسیم شود. من فقط برخی از سه آیه‌ای را که هنگام تأیید اولین نکته خود تحت آموزه تثلیث مبنی بر وحدت خدا استفاده کردیم، دوباره می‌خوانم.

اولین مورد، تثنیه باب ۶ است که در واژه معروف «شما» در اسرائیل ریشه دوانده است. این اولین کلمه در این متن است. با «شما اسرائیل» شروع می‌شود.

بشنو، ای اسرائیل، خداوند، خدای ما، خداوند واحد است. او را با تمام وجودت دوست بدار و این حقایق را به فرزندانانت بیاموز. خداوند، خدای ما واحد است.

اول پطرس، اول تیموتائوس، ببخشید، دوم و به مردم می‌پیوندد تا برای رهبران‌شان دعا کنند. از خدا نجات‌دهنده ما، صحبت می‌کند. ما باید در مورد کلمه نجات‌دهنده در نوشته‌های شبانی مراقب باشیم.

رساله اول و دوم تیموتائوس و تیطوس گاهی به پدر و گاهی به پسر اشاره دارد. هر زمان که به پسر اشاره می‌کند، از نام او استفاده می‌کند. منظور از ناجی عام در متون شبانی، خدای پدر است.

در این مورد ابهاماتی وجود داشته، اما واقعاً نباید وجود داشته باشد، زیرا خود پاول کاملاً در این مورد شفاف است. و ما را با احتیاط راهنمایی می‌کند. من اینجا به حرف خودم عمل می‌کنم.

این تیطوس است. او در تیطوس ۱ می‌گوید، انجیل، موعظه‌ای که به فرمان نجات‌دهنده ما خدا در آیه ۳ به من سپرده شده است. در آیه ۴، وقتی می‌گوید، به تیطوس می‌نویسد، می‌گوید، فیض و آرامش از جانب خدای پدر و مسیح عیسی، نجات‌دهنده ما. همان کلمه، اما وقتی به پسر اشاره می‌کند، از نام او استفاده می‌کند.

مسیح عیسی، عیسی مسیح، یکی از آن گونه‌ها است. در هر صورت، اول تیموتائوس ۲ خوب است. ما برای رهبران خود دعا می‌کنیم و در نظر خدا، ناجی ما، که می‌خواهد همه مردم در چارچوب قرارداد نجات یابند. خوشنود هستیم.

این به معنای حتی رهبران، حتی رهبران بی‌خدایی است که با ایمان مخالفت می‌کنند و به شناخت حقیقت می‌رسند. زیرا یک خدا و یک واسطه بین خدا و انسان، خدا و انسان، خدا و بنی‌آدم وجود دارد، آن مرد، مسیح عیسی، که خود را به عنوان فدیة برای همه داد، که شهادتی است که در زمان مناسب داده شد. یک خدا وجود دارد.

اول تیموتائوس ۲:۵. و یک واسطه، یک واسطه بین خدا و انسان‌ها، مسیح عیسی. بنابراین تثنیه ۴:۶. اول تیموتائوس ۲:۵. در نهایت، یعقوب ۲. در یک اظهار نظر کنایه‌آمیز، یعقوب از خودسری یهودیان مدعی شاید مسیحیان یهودی مدعی، انتقاد می‌کند که اعتراف می‌کنند، آنها به شما اعتراف می‌کنند، آنها می‌گویند خدا یکی است، اما با این حال به نظر نمی‌رسد که آنطور که باید به خدا ایمان داشته باشند و برای او زندگی کنند. شما ایمان دارید که خدا یکی است، یعقوب ۱۹:۲.

کار خوبی می‌کنی. حتی شیاطین هم ایمان دارند و می‌لرزند و می‌لرزند. مارتین لوتر گفته، حداقل شیاطین می‌لرزند.

یعقوب، ای حضار، حداقل به نظر نمی‌رسید که برخی از آنها بلرزند. به نظر نمی‌رسید که آنها ایمان را با اعمال معتبری که اصالت اعتراف ایمانشان را نشان می‌داد، ترکیب کرده باشند. خدای ما یکی است.

توحید، اساس آموزه‌های مربوط به خدا در هر دو عهد است. خدای ما روح است. خدا شخصی است که موجودی روحانی و مقدس است و مانند ما بدن ندارد.

این ویژگی، معنویت خدا نامیده می‌شود. عیسی به زن سامری می‌گوید، نقل قول می‌کند، خدا روح است و کسانی که او را می‌پرستند باید در روح و راستی بپرستند. یوحنا ۴:۲۴.

اگرچه خدا در عهد عتیق نام خود را بر کوه صهیون در اسرائیل و نه کوه جریزیم در سامره آشکار می‌کند، اما خدا موجودی روحانی است که پرستش او در عهد جدید به یک مکان جغرافیایی گره نخورده است. بلکه پرستش او در روح است، یعنی معنوی، و در حقیقت، که مبتنی بر مکاشفه او از خود در عیسی است. چگونه می‌توانیم آشکار شدن حضور فیزیکی خدا را درک کنیم؟ به موسی در بونه سوزان، خروج ۳:۲ تا ۶. به اشعیا در رؤیای معبد، اشعیا ۶:۱ و ۴. در آتش و باد در پنطیکاست، اعمال رسولان ۲:۱ تا ۳. چگونه می‌توانیم آشکار شدن فیزیکی خود توسط خدا را درک کنیم؟ همانطور که این مثال‌ها گواهی می‌دهند، اینها مواقعی هستند که خدا، یک روح نامرئی، خود را به صورت فیزیکی آشکار می‌کند تا قوم خود را تقویت کند.

آنها به همان اندازه که وقتی کتاب مقدس از خدا طوری صحبت می‌کند که انگار صورت دارد، عدد ۶۲۵، مزمور ۳۴:۱۶، انگار چشم و گوش دارد، مزمور ۱۵:۳۴، یک دست، خروج ۶:۱ و غیره، نشان نمی‌دهند که خدا یک موجود فیزیکی است. آنها به همان اندازه که وقتی کتاب مقدس از او طوری صحبت می‌کند که انگار صورت، چشم و گوش، یک دست و غیره دارد، نشان نمی‌دهند که خدا یک موجود فیزیکی است. ما اینها را انسان‌انگاری می‌نامیم، زیرا آنها از خدا طوری صحبت می‌کنند که انگار یک انسان است.

و حضور آنها در کتاب مقدس نشان می‌دهد که خدا خود را فروتن می‌کند تا خود را به زبانی که برای ما قابل درک است، به ما بشناساند. از آنجا که خدا روح است، نامرئی است، اول تیموتائوس ۱:۱۷، و بت‌پرستی حماقت است، تثنیه ۴. اول تیموتائوس ۱:۱۷ یک ستایش است. ستایش، اول تیموتائوس ۱:۱۷، پولس ناگهان از خود می‌پرسد.

بفرمایید. به پادشاه ابدی، جاودانه، نامرئی، خدای یگانه، عزت و جلال تا ابد باد. آمین. آمین. خدا فقط پادشاه ابدی نیست، او جاودانه است، او انسان نیست، او نامرئی است.

این نتیجه‌ی منطقی روح بودن او، وجود روحانی و معنوی اوست. عهد عتیق این را منعکس می‌کند، زمانی که موسی به قوم خدا یادآوری می‌کند که وقتی خدا با آنها صحبت کرد، هیچ چیز، هیچ تصویری ندیدند. تثنیه در بخشی که بت‌پرستی را ممنوع می‌کند، موسی می‌نویسد: بنابراین، بسیار مراقب خود باشید، زیرا در ۴:۱۵، روزی که خدا در حوریب از میان آتش با شما صحبت کرد، هیچ شکلی ندیدید.

مبادا با ساختن تمثالی تراشیده برای خود، به شکل هر شکلی، چه شبیه مرد باشد چه شبیه زن، چه شبیه هر حیوانی که بر روی زمین است، چه شبیه هر پرنده بالدار که در آسمان پرواز می‌کند، چه شبیه هر خزنده‌ای بر روی زمین، چه شبیه هر ماهی‌ای که در آب‌های زیر زمین است، فاسد شوید. مبادا با دیدن خورشید و ماه و ستارگان، و همه لشکر آنها، چشمان خود را به سوی آسمان بلند کنید و مجذوب آنها شوید و در برابر آنها سجده کنید و آنها را عبادت کنید، چیزهایی که خداوند، خدای شما، برای همه قوم‌های زیر تمام آسمان تقسیم کرده است. آنها را پرستش نکنید.

خدا یک روح است. او را نباید با هیچ بخشی از خلقتش یکی دانست، به این معنا که آن را پرستش کنیم. او تنها خداست، و او یکی است، و او یک روح است.

علاوه بر این، تنها خدا بی‌نهایت است. منظور ما از بی‌نهایت این است که خدا در شخصیت و کمالات خود، نامحدود است. تصاویری از خدا که به بی‌نهایت بودن او مربوط می‌شوند شامل خدای متعال و والامقام، اشعیا ۵۷، ۱۵، است.

کتاب مقدس به ما می‌آموزد که خدا نامحدود است، به ویژه در مورد قدرت و درک او. من مطمئن نیستم که آیا ما واقعاً می‌توانیم بی‌نهایت را نشان دهیم، اما می‌توانیم، می‌توانیم عبارات پرشوری را نشان دهیم که از عظمت مطلق خدا، فراتر رفتن کامل او از محدودیت‌های انسانی، سخن می‌گویند. از نظر فنی، از نظر فلسفی نامحدود؟ فکر نمی‌کنم.

اما آیا خدا نامتناهی است؟ بله، و عبرانیان این را اینگونه بیان می‌کنند. مزمو ۱۴۷: ۵. مزمو ۱۴۷: ۵. پروردگار ما بزرگ است، قدرتش بی‌کران. فهم او نامتناهی است.

اشعیا ۴۰ و آیه ۲۸. خداوند، خدای جاودان، خالق تمام زمین است. او هرگز درمانده یا خسته نمی‌شود.

عظمت بی‌حد و حصر قدرت خدا را نسبت به ما که به وسیله‌ی عمل عظیم قدرت او ایمان آورده‌ایم، دریابید.»

افسسیان ۱: ۱۸ و ۱۹. بی‌نهایت بودن خدا تنها ویژگی او نیست، بلکه با بقیه ویژگی‌های او هماهنگ است بنابراین وقتی می‌گوییم خدا بی‌نهایت است، منظورمان این نیست که او می‌تواند گناه کند، ناتوان باشد یا بی‌وفا باشد.

زیرا او قدوس، قادر مطلق و امین است. یعنی ما باید سعی کنیم تمام صفات خدا را همزمان در خود داشته باشیم زیرا او اینگونه است. هرمان باوینک، ۱۸۵۴ تا ۱۹۲۱، یک متکلم هلندی و متفکر برجسته در سنت اصلاح‌شده بود.

او منطق رایج همسالانش، نه تنها همسالان، بلکه بزرگان را به چالش کشید. همه به زبان هلندی، به اصطلاح، انجیلی بودند. کلیسای محافظه‌کار هلند به مدارس محافظه‌کار می‌رفت. او گفت، نه، من می‌خواهم به مدرسه بزرگ خط اصلی، مدرسه بزرگ لیبرال بروم و از مشهورترین معلمان زمان خود در هلند، در آمستردام، درس بگیرم.

مراقب باشید، این عاقلانه نیست، و غیره. با احترام فراوان به بزرگترهایش، او راه خودش را رفت و در دانشگاه تحصیل کرد و تحصیلات بسیار گسترده‌ای داشت. آنها می‌ترسیدند که او تکیه‌گاه کتاب مقدسی خود را از دست بدهد، اما این اتفاق نیفتاد.

و سپس وقتی که او در دفاع از ایمان انجیلی و اصلاح‌شده نوشت، این کار را با وسعت و درک باورنکردنی از الهیات لیبرال انجام داد. او بیشتر به خاطر نوشته‌هایش، از جمله یک کتاب درسی اخلاق، شناخته می‌شود. او بیشتر به خاطر کتاب «اصول جزئی اصلاح‌شده»، یک الهیات سیستماتیک معتبر چهار جلدی، شناخته می‌شود.

یادم می‌آید استادی داشتیم، رابرت وانوی که در دانشگاه آزاد آمستردام هلند درس خوانده بود، و ما الهیات سیستماتیک چارلز هاجز و الهیات سیستماتیک بیرکهوف را داشتیم. بیرکهوف یک هلندی-آمریکایی بود و وانوی می‌گفت اینها خوب هستند و من از آنها خوشحالم، اما باوینک بهتر است. باوینک فوق‌العاده است.

او در سطح بالایی با لیبرالیسم تعامل دارد، کاملاً محافظه‌کار است، بسیار بسیار با استعداد است و خوشبختانه اکنون آن کتاب‌ها ترجمه شده‌اند. ما یک جلد باوینک داریم و چهار جلد هم داریم. خواندن آنها آسان نیست، اما خواندن آنها خدایسندانه است، خواندن آنها کتاب مقدس است، قدیمی هستند، اما بسیار خوب هستند.

در اینجا باوینک، در نقل قولی که خواهیم خواند، نشان می‌دهد که خداوند هم بسیار برتر، متعالی، و هم نزدیک، قریب‌الوقوع، نسبت به خلقت خود است. نقل قول، همان خدایی که در وحی خود، گویی خود را به مکان‌ها، زمان‌ها و اشخاص خاص محدود می‌کند، در عین حال بی‌نهایت برتر از کل قلمرو طبیعت و هر موجودی است. حتی در بخش‌هایی از کتاب مقدس که بر این تجلی زمانی و مکانی تأکید می‌کنند، حس والایی، تعالی و قدرت مطلق او کم نیست.

خداوندی که در باغ قدم می‌زند، خالق آسمان و زمین است. خدایی که بر یعقوب ظاهر می‌شود، آینده را در کنترل دارد. اگرچه خدای اسرائیل در میان قوم خود، در خانه‌ای که سلیمان برای او ساخته است، ساکن است، اما حتی آسمان‌ها نیز نمی‌توانند او را در بر گیرند.

اول پادشاهان ۸:۲۷. به طور خلاصه، در سراسر عهد عتیق، این دو عنصر دست در دست هم می‌آیند. خدا با کسانی است که روحی محکم و فروتن دارند، و با این وجود، او والا و بلندمرتبه است که در ابدیت ساکن است.

اشعیا ۱۵:۵۷. چه متن شگفت‌انگیزی. نمی‌توانم جلوی خودم را بگیرم و آن را نخوانم.

او همین الان آن را برای ما خلاصه کرد، اما وای اشعیا مثل رومیان عهد عتیق است. اینجا هیمالیا است.

منظورم این نیست که این را شروع کنم. تثنیه به اندازه کتاب مقدس، یک کتاب معنوی است. من الان دارم مزامیر را مطالعه و تدریس می‌کنم.

وای. آگه میخوای ببینی چه پیغمی روحانی هستی. به هر حال، تمام کلام خدا الهامی و سودمنده

اشعیا ۵۷ آیه ۱۵. زیرا آن که والا و بلندمرتبه است و در ابدیت ساکن است و نامش قدوس است، چنین می‌گوید: من در مکان والا و مقدس ساکنم، و نیز با کسی که روح توبه‌کار و فروتن دارد، تا روح فروتنان را احیا کنم و دل توبه‌کاران را زنده سازم.

باوینک مرد بزرگی بود و خداوند از او بسیار استفاده کرد. و اکنون خوانندگان انگلیسی می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. فکر می‌کنم شاید در 10 سال گذشته این جلدها ترجمه شده‌اند.

اگرچه سن من احتمالاً بیشتر شبیه ۲۰ سال است، اما این اتفاقی است که می‌افتد. بی‌نهایت بودن خدا، ویژگی‌های دیگری را نیز مشخص می‌کند.

او بی‌نهایت قدوس، بی‌نهایت قدرتمند و غیره است. تصاویر متعددی از خدا در افسسیان ۲-۴ وجود دارد. ترجمه‌هایی از آثار باوینک در حال انجام بود.

بنابراین، در واقع، به عدد ۲۰ نزدیک‌تر است. تصاویر متعدد از خدا در افسسیان، بی‌نهایت بودن یا عظمت کمالات خدا را نشان می‌دهد. پولس از غنای فیض او، ۱:۷، عظمت بی‌حد و حصر قدرت او برای ما، و عمل عظیم قدرت او، ۱:۱۹ در افسسیان، سخن می‌گوید و می‌گوید که او بسیار برتر از هر قدرت دیگری است ۱:۲۱.

خداوند در رحمت، غنی و با عشق عظیم مشخص می‌شود (۲:۴)، و ثروت بی‌کران فیض خود را به ما نشان خواهد داد (۲:۷). (پولس ثروت بی‌حساب مسیح را اعلام می‌کند) ۳:۸. (کلیسا، به نقل از آیه ۱۰، حکمت چندوجهی خداوند را به نمایش می‌گذارد.

قوت ما به اندازه‌ی غنای جلال اوست، آیه‌ی ۱۶. پولس سرشار از شور و شوق است. او به دنبال کلماتی می‌گردد تا عظمت و بی‌کرانگی خدا را بیان کند.

دعای پولس این است که ما باشیم، ما آنچه را که هست، درک کنیم، نقل قول، طول و عرض و ارتفاع و عمق عشق خدا، عشقی که فراتر از دانش است، ۱۸ و ۱۹. خب، پس چگونه می‌توانیم آن را درک کنیم؟ البته ما آن را تا حدی درک می‌کنیم. در واقع، این خدای بی‌نهایت و باشکوه قادر است فراتر از هر آنچه که ما می‌خواهیم ۳:۲۰. یا فکر می‌کنیم، انجام دهد،

دفعه بعد با صفات غیرقابل انتقال خداوند ادامه خواهیم داد و پایه و اساسی برای صفات قابل انتقال، که به همان اندازه شگفت‌انگیز هستند، بنا خواهیم کرد.

این دکتر رابرت پترسون در تدریس خود در مورد الهیات به معنای واقعی کلمه یا خدا است. این جلسه 10 است، جمع‌بندی تثلیث، صفات خدا، مقدمه و صفات غیرقابل انتقال